

شاهکارهای ایمان

¹ پس ایمان، اعتماد بر چیزهای امید داشته شده است و برهان چیزهای نادیده.² زیرا که به این، برای قدا شهادت داده شد³ به ایمان فهمیده‌ایم که عالمها به کلمه خدا مرتب گردید، حتی آنکه چیزهای دیدنی از چیزهای نادیدنی ساخته شد.⁴ به ایمان هابیل قربانی نیکوتر از قائن را به خدا گذرانید و به سبب آن شهادت داده شد که عادل است، به آنکه خدا به هدایای او شهادت می‌دهد؛ و به سبب همان بعد از مردن هنوز گوینده است.⁵ به ایمان خنوخ منتقل گشت تا موت را نبیند و نایاب شد چرا که خدا او را منتقل ساخت زیرا قبل از انتقال وی شهادت داده شد که رضامندی خدا را حاصل کرد.⁶ لیکن بدون ایمان تحصیل رضامندی او محال است، زیرا هر که تقرب به خدا جوید، لازم است که ایمان آورد بر اینکه او هست و جویندگان خود را جزا می‌دهد.⁷ به ایمان نوح چون دربارهٔ اموری که تا آن وقت دیده نشده، الهام یافته بود، خداترس شده، کشتی‌ای بجهت اهل خانهٔ خود بساخت و به آن، دنیا را ملزم ساخته، وارث آن عدالتی که از ایمان است گردید.⁸ به ایمان ابراهیم چون خوانده شد، اطاعت نمود و بیرون رفت به سمت آن مکانی که می‌بایست به میراث یابد. پس بیرون آمد و نمی‌دانست به کجا می‌رود. و به ایمان در زمین وعده مثل زمین بیگانه غربت پذیرفت و در خیمه‌ها با اسحاق و یعقوب که در میراث همین وعده شریک بودند مسکن نمود.¹⁰ زانرو که مترقب شهری بانیاد بود که معمار و سازندهٔ آن خداست.¹¹ به ایمان خود ساره نیز قوت قبول نسل یافت و بعد از انقضای وقت زایید، چونکه وعده دهنده را امین دانست.¹² و از این سبب، از یک نفر و آن هم مرده، مثل ستارگان آسمان، کثیر و مانند ریگهای کنار دریا، بی‌شمار زاییده شدند.

¹³ در ایمان همهٔ ایشان فوت شدند، در حالیکه وعده‌ها را نیافته بودند، بلکه آنها را از دور دیده، تحیت گفتند و اقرار کردند که بر روی زمین، بیگانه و غریب بودند.¹⁴ زیرا کسانی که همچنین می‌گویند، ظاهر می‌سازند که در جستجوی وطنی هستند.¹⁵ و اگر جایی را که از آن بیرون آمدند، بخاطر می‌آورند، هرآینه فرصت می‌داشتند که برگردند.¹⁶ لکن الحال مشتاق

وطنی نیکوتر یعنی وطن سماوی هستند و از اینرو خدا از ایشان عار ندارد که خدای ایشان خوانده شود، چونکه برای ایشان شهری مهیا ساخته است.

¹⁷ به ایمان ابراهیم چون امتحان شد، اسحاق را گذرانید و آنکه وعده‌ها را پذیرفته بود، پسر یگانهٔ خود را قربانی می‌کرد؛¹⁸ که به او گفته شده بود که نسل تو به اسحاق خوانده خواهد شد.¹⁹ چونکه یقین دانست که خدا قادر بر برانگیزانیدن از اموات است و همچنین او را در مَثلی از اموات نیز باز یافت.²⁰ به ایمان اسحاق نیز یعقوب و عیسو را در امور آینده برکت داد.²¹ به ایمان یعقوب در وقت مُردن خود، هر یکی از پسران یوسف را برکت داد و بر سر عصای خود سجده کرد.²² به ایمان یوسف در حین وفات خود، از خروج بنی‌اسرائیل اخبار نمود و دربارهٔ استخوانهای خود وصیت کرد.²³ به ایمان موسی چون متولد شد، والدینش او را طفلی جمیل یافته، سه ماه پنهان کردند و از حکم پادشاه بیم نداشتند.²⁴ به ایمان چون موسی بزرگ شد، ابا نمود از اینکه پسر دختر فرعون خوانده شود،²⁵ و دلیل بودن با قوم خدا را پسندیده تر داشت از آنکه لَدَ اندک زمانی گناه را ببرد؛²⁶ و عار مسیح را دولتی بزرگتر از خزائن مصر پنداشت زیرا که به سوی مجازات نظر می‌داشت.²⁷ به ایمان، مصر را ترک کرد و از غضب پادشاه ترسید زیرا که چون آن نادیده را بدید، استوار ماند.²⁸ به ایمان، عید فصّح و پاشیدن خون را به عمل آورد تا هلاک کننده نخست زادگان، بر ایشان دست نگذارد.²⁹ به ایمان، از بحر قُلُزم به خشکی عبور نمودند و اهل مصر قصد آن کرده، غرق شدند.³⁰ به ایمان حصار آریحا چون هفت روز آن را طواف کرده بودند، به زیر افتاد.³¹ به ایمان، راحاب فاحشه با عاصیان هلاک نشد زیرا که جاسوسان را به سلامتی پذیرفته بود.

³² و دیگر چه گویم؟ زیرا که وقت مرا کفاف نمی‌دهد که از جدعون و باراق و شمشون و یفتاح و داود و سموئیل و انبیا اخبار بنایم،³³ که از ایمان، تسخیر ممالک کردند و به اعمال صالحه پرداختند و وعده‌ها را پذیرفتند و دهان شیران را بستند،³⁴ سُورَت آتش را خاموش کردند و از دم شمشیرها رستگار شدند و از ضعف، توانایی یافتند و در جنگ شجاع شدند و

لشکرهای غربا را منهزم ساختند.³⁵ زنان، مردگان خود را به قیامتی باز یافتند، لکن دیگران معذب شدند و خلاصی را قبول نکردند تا به قیامت نیکوتر برسند.³⁶ و دیگران از استهزاها و تازیانه‌ها بلکه از بندها و زندان آزموده شدند.³⁷ سنگسار گردیدند و با اژدها دوباره گشتند. تجربه کرده شدند و به شمشیر مقتول گشتند.

در پوستهای گوسفندان و بزها محتاج و مظلوم و ذلیل و آواره شدند.³⁸ آنانی که جهان لایق ایشان نبود، در صحراها و کوه‌ها و مغاره‌ها و شکافهای زمین پراکنده گشتند.³⁹ پس جمیع ایشان با اینکه از ایمان شهادت داده شدند، وعده را نیافتند.⁴⁰ زیرا خدا برای ما چیزی نیکوتر مهیا کرده است تا آنکه بدون ما کامل نشوند.